

# درس دوم

**عناصر داستان (۱):**  
آغاز داستان



دانش‌آموزان با خواندن هر داستان عناصر آغازین: شخصیت(های) اصلی، زمان، مکان، کار شخصیت اصلی (شزمک سرواژه‌ی این عنصرها است) و ترتیب و توالی آن‌ها را در داستان تشخیص دهند.

دانش‌آموزان عناصر آغازین داستان را بازگو کنند.

دانش‌آموزان عناصر آغازین داستان را بنویسند (رونویسی).

## باهم بیاموزیم (فعالیت‌های کلاسی)

معلم از کتاب‌های داستان یا داستان‌های تصویری برای اجرای فرایند یاددهی - یادگیری استفاده می‌نماید. در تعامل با دانش‌آموزان داستانی آشنا و مورد علاقه‌ی آن‌ها انتخاب می‌کند و دانش‌آموزان را با نام داستان آشنا می‌کند. سپس خودش یا یکی از دانش‌آموزان آن را برای دیگران تعریف می‌نماید. (از آموخته‌های کلاس چهارم در اجرای مراحل داستان‌گویی استفاده نمایید).

معلم شکل نمادین و کارت نوشتاری عناصر آغازین داستان (شخصیت اصلی، زمان، مکان و کار شخصیت اصلی داستان) را که از قبل آماده کرده است، به دانش‌آموزان نشان می‌دهد و پرسش‌هایی مرتبط با این عناصر می‌پرسد و به این ترتیب با جلب توجه دانش‌آموزان به این عناصر، آن‌ها را برای دادن پاسخ مناسب هدایت می‌کند.

مثلاً درباره‌ی داستان مهمان‌های ناخوانده پرسش و پاسخ‌ها به قرار زیر است:

۱. شخصیت اصلی داستان چه کسی است؟ مادر بزرگ.

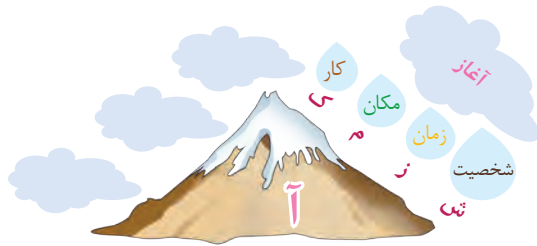
۲. زمان داستان چه وقت بود؟ شب بارانی.

۳. مکان داستان کجا بود؟ خانه.

۴. شخصیت اصلی در ابتدای داستان چه کاری می‌کرد؟ مادر بزرگ در خانه‌اش خوابیده بود.

لازم است جایگاه و توالی درست عناصر آغازین داستان (شزمک) برای دانش‌آموزان با تأکید بیانی و رنگ‌های مختلف هنگام نوشتن برجسته شوند. در صورت توانایی دانش‌آموزان استفاده از آموخته‌های قبلی (رشاچک‌لب‌مش) در داستان‌گویی‌ها در جهت گسترش جمله‌های داستان استفاده شود. به این ترتیب دانش‌آموزان متوجه می‌شوند هر داستانی آغازی دارد که از توالی چهار عنصر شخصیت، زمان، مکان و کار تشکیل شده است. استفاده از جملاتی مانند «یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود» برای درک اینکه داستانی تعریف می‌شود لازم است.

۱. ببینید، بشنوید و بگویید.



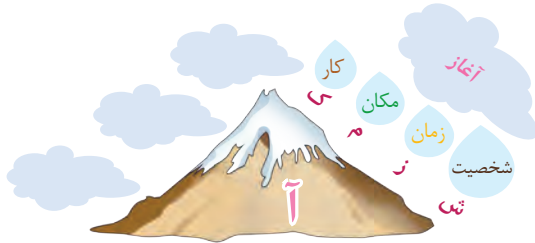
## پاکیزگی



### همکار و والدین گرامی! برای انجام این تمرین به روش زیر عمل کنید:

۱. از دانش‌آموزان بخواهید به تصویرها نگاه کنند.
۲. توجه دانش‌آموزان را به نام داستان جلب کنید و آن را با هم بگویید.
۳. داستان را در تعامل با دانش‌آموزان تعریف کنید.
۴. به این موضوع که هر داستانی را می‌توان با عبارت‌هایی مانند «یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود»، «روزی بود، روزگاری بود» و ... شروع کرد، تأکید نمایید.
۵. توجه دانش‌آموزان را به عناصر آغازین داستان (شخصیت‌ها)، زمان، مکان و کاری که شخصیت‌های اصلی داستان انجام می‌دهد) جلب نمایید و تأکید کنید در آغاز همه‌ی داستان‌ها این قسمت‌ها (عناصر) وجود دارند. سؤالاتی با کلمه‌های پرسش «چه کسی، چه وقت، کجا، چه کار» برای اجرای بهتر فرایند یاددهی و یادگیری صورت گیرد.
۶. توجه آن‌ها را به شکل نمادین عناصر داستان جلب نمایید و بگویید تا درک کنند هر داستانی از قسمت‌هایی تشکیل می‌شود. عناصر (قسمت‌های) آغازین این داستان را با توجه به شکل نمادین، همراه با دانش‌آموزان و با توجه به پرسش و پاسخ مرحله‌ی قبل مشخص نمایید و راجع به آن‌ها گفت‌وگو نمایید.
۷. هر آنچه در جمله بعد از فاعل شخصیت‌های اصلی می‌آید، می‌تواند در پاسخ به اینکه «شخصیت اصلی داستان چه کار می‌کند؟» بیاید.
۸. در صورت توانایی دانش‌آموزان، سرواژه‌ی «شزمک» به آن‌ها معرفی شود.

**همکار گرامی!** داستان را با دانش‌آموزان خود بخوانید. به شکل نمادین و کادر صورتی کشیده شده دور قسمت آغازین داستان توجه کنید. با کلمه‌های پرسشی «چه کسی، چه وقت، کجا و چه کار» بر عناصر آغازین داستان که برای درک بهتر دانش‌آموزان با رنگ‌های مختلف نشان داده شده‌اند، تأکید کنید و قسمت مربوط را روخوانی کنید. پس از اطمینان از درک خواندن، رونویسی این صفحه به عنوان کار در منزل به دانش‌آموزان داده شود.



۲. با هم بخوانیم.

## آتش‌سوزی



شخصیت(های) اصلی داستان: زهرا و فاطمه؛

زمان داستان: دیروز؛

مکان داستان: خیابان، خانه؛

کاری که شخصیت(های) اصلی داستان ابتدا انجام می‌دهد: از خیابان عبور می‌کردند تا به خانه بروند.

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. زهرا و فاطمه دیروز از خیابان عبور می‌کردند تا به خانه بروند.

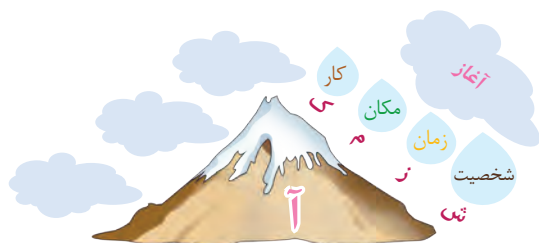
یک‌دفعه آن‌ها خانه‌ای را دیدند که آتش گرفته است. برای همین فاطمه سریع به ۱۲۵ تلفن کرد و آتش‌نشان‌ها آمدند.

در پایان آن‌ها آتش را خاموش کردند.

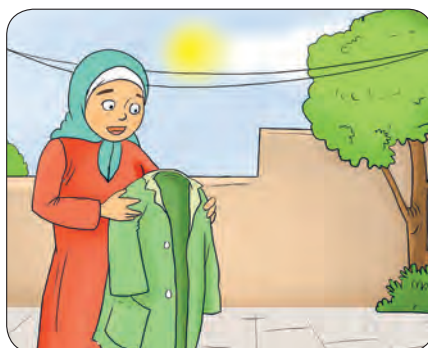


**همکار گرامی!** برای دریافت بهتر دانش‌آموزان در شناسایی چهار عنصر آغازین داستان از رنگ‌ها کمک گرفته شده است. با پرسش و پاسخ دانش‌آموزان را برای درک و یافتن پاسخ راهنمایی کنید. سعی شده است در اولین تصویر هر داستان همه‌ی عناصر آغازین گنجانده شوند.

۳. به تصویرها نگاه کنید و متن داستان را بخوانید و عناصر آغاز داستان را در جاهای خالی بنویسید.



## شستن لباس



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. **زهرا در یک روز پاییزی در اتاقش نقاشی می‌کرد.**

ناگهان رنگ روی لباس زهرا ریخت و لباسش کثیف شد. زهرا لباسش را شست و روی بند پهن کرد. در پایان لباس او تمیز و خشک شد.

کاری که شخصیت اصلی داستان ابتدا انجام می‌دهد.

مکان داستان

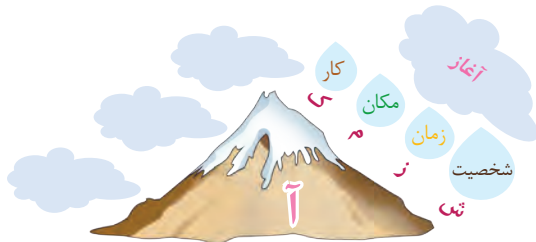
زمان داستان

شخصیت(های) اصلی داستان

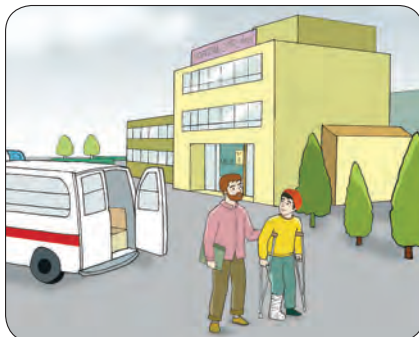
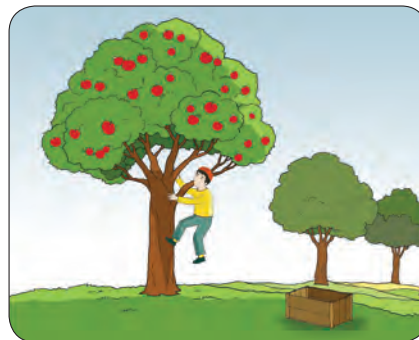
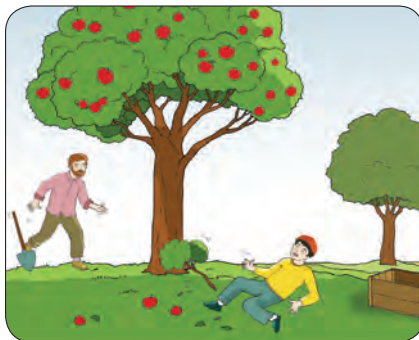
**همکار گرامی!** دانش‌آموزان داستان را با توجه به تصویر تعریف کنند و متن داستان را بخوانند. مطمئن شوید سؤال‌ها را درک کرده‌اند. پس از پرسش و پاسخ شفاهی، پاسخ پرسش‌ها با توجه به متن نوشته شوند.



۴. به تصویرها نگاه کنید. متن داستان را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.



## محسن و درخت سیب



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. **محسن صبح زود به باغ رفت. او می‌خواست سیب**

**بچیند برای همین از درخت بالا رفت** اما از بالای درخت افتاد و پایش درد گرفت. پدرش با عجله او را به

بیمارستان برد و دکتر پایش را درمان کرد. از آن به بعد محسن تصمیم گرفت دیگر هیچ‌وقت از درخت بالا نرود.

### آغاز داستان:

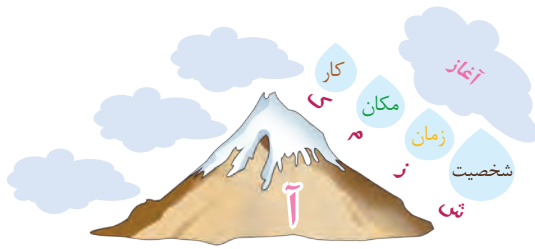
شخصیت اصلی داستان چه کسی است؟ .....

زمان داستان چه وقت است؟ .....

مکان داستان کجا است؟ .....

چه کاری شخصیت اصلی داستان ابتدا انجام داد؟ .....

۵. به تصویرها خوب دقت کنید. متن داستان را بخوانید. به پرسش‌ها با توجه به تصویر و متن پاسخ دهید.



## پر خوری



یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. سنجاب کوچولو یک شب در مهمانی مقدار زیادی گردو و بادام خورد. برای همین سنجاب کوچولو دلش درد گرفت. بلافاصله مادرش او را به بیمارستان برد. پزشک به سنجاب کوچولو دارو داد. در آخر داستان سنجاب کوچولو حالش خوب شد و تصمیم گرفت دیگر پر خوری نکند.

### آغاز داستان

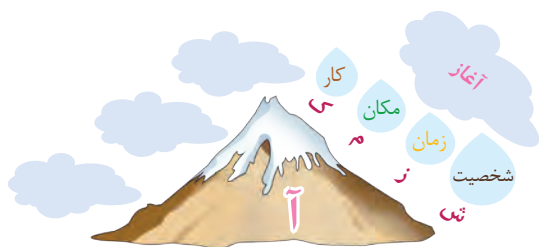
شخصیت اصلی داستان چه کسی است؟ .....

زمان داستان چه وقت است؟ .....

مکان داستان کجا است؟ .....

چه کاری شخصیت اصلی داستان ابتدا انجام داد؟ .....

۶. متن داستان را بخوانید و عناصر آغازین داستان (شزمک) را تشخیص دهید و به هم وصل کنید.



## احمد در مدرسه‌ی جدید

احمد امسال به مدرسه‌ی جدیدی می‌رود. اما مشکل این است که او هیچ دوستی آنجا ندارد. برای همین احمد فکر کرد وقتی به مدرسه می‌رسد به بچه‌ها لبخند بزند و سلام کند. در آخر با این کار، او توانست با بچه‌ها دوست بشود و با آن‌ها بازی کند.

### آغاز داستان

امسال به مدرسه‌ی جدیدی می‌رود.

شخصیت(های) اصلی داستان

مدرسه‌ی جدید

زمان داستان

احمد

مکان داستان

امسال

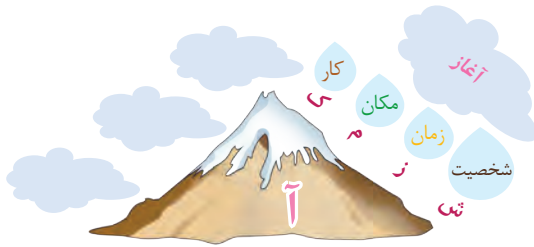
کاری که شخصیت اصلی داستان ابتدا انجام می‌دهد

**والدین گرامی!** هر شب داستان کوتاهی را برای فرزندتان بگویید یا بخوانید؛ با توجه به آموزش‌های این درس درباره‌ی اینکه داستان چگونه شروع می‌شود با کلمه‌های پرسشی «چه کسی»، «چه وقت»، کجا و چه کار» با فرزندتان سؤال و جواب و تعامل داشته باشید و داستان خواندن را تبدیل کنید به فعالیت و برنامه‌ی روزانه و لذت‌بخشی برای خودتان و فرزندتان.





۷. متن داستان را بخوانید و با توجه به عناصر آغازین داستان (شزمک) جاهای خالی را پر کنید.



## گم شدن در پارک

سارا و تینا پنجشنبه با مادرشان برای گردش به پارک رفتند و در پارک تاب بازی کردند. ناگهان یک سگ به آنها نزدیک شد. آنها فرار کردند ولی گم شدند. بعد مادر سارا و تینا دنبالشان گشت و آنها را پیدا کرد. در پایان همه به خانه رفتند.

### آغاز داستان

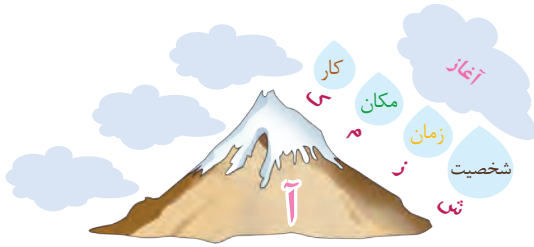
.....: شخصیت(های) اصلی:

.....: زمان داستان:

.....: مکان داستان:

.....: کار شخصیت(ها):

۸. متن داستان را بخوانید و با توجه به عناصر آغازین داستان (شزمک) جاهای خالی را پر کنید.



## نیکی کردن

صادق و پدرش دیروز به بازار رفتند تا کفش نو بخرند. اما وقتی صادق کفش را پوشید، یک پسر فقیر با کفش پاره دید. برای همین از پدرش اجازه گرفت و کفش را به پسر فقیر داد. در پایان، صادق و پدرش با خوشحالی به خانه برگشتند.

### آغاز داستان

شخصیت(های) اصلی: .....

زمان داستان: .....

مکان داستان: .....

کار شخصیت(ها): .....